

((سیمای شهر و هویت شهری))

آزاده عالیپور

کارشناس ارشد معماری

اردیبهشت ۱۳۹۱

ساختار بصری هر شهر، اگرچه ظاهراً سطحی‌ترین لایه تشکیل دهنده و عام‌ترین حیطه در برگیرنده ساختار فضایی-فعالیتی آن شهر است، اما از سوی دیگر، قابل رویت‌ترین وجه تبلور کالبدی روابط اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی حاکم در درون اجتماع ساکن آن شهر می‌باشد، که تعاملات یا تعارضات را تجلی می‌بخشد. از جمله عوامل تشکیل دهنده ساختار بصری شهرها، نما و پوسته ساختمان‌ها در مجاورت گذرهاست. نمای مشرف بر گذر، نمای اصلی ساختمان تلقی می‌گردد کیفیت نما یکی از اساسی‌ترین عوامل موثر در مطلوبیت بصری سیمای شهری است که متأسفانه امروزه به واسطه الزامات و محدودیت‌های متفاوتی تغییر کرده و منجر به بحران و ناپایداری در ابعاد مختلف شهری به خصوص هویت فضاهای شهری شده است. این مسئله در بافت‌های جدید مسکونی شهر و کانون‌های تجاری به شدت قابل مشاهده است.

بی‌هویتی حاکم بر نماهای شهری و در نتیجه تقلیل کیفی فضاهای شهری به حدی است که روشنفکران و متخصصان حوزه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی و معماری و شهرسازی را به چالش کشانده است. نارضایتی از عدم مطلوبیت بصری سیمای شهر و احساس بیگانگی در شهرهای امروزی حاصل کیفیت پایین نمای شهری، لزوم توجه به ارتقاء کیفیت را مطرح می‌نماید. علیرغم واقف بودن همگان از بحران موجود، عدم تبیین ضرورت پرداختن به آن و یا برخورد سطحی‌نگرانه به موضوع، از یک سو باعث رها شدن نماها به حال خود در فضاهای شهری و از سوی دیگر زمینه‌ساز تهیه برنامه‌ها و طرح‌هایی شده است که خود با چالش‌های زیادی روبه‌رو بوده و گاهی نتایج حاصل از آنها، کمتر از بی‌توجهی نبوده است. به طور مثال بکارگیری ترکیبات نادرست در نماهای شهری، علاوه بر عدم مطلوبیت بصری و به دنبال خود تأثیرات منفی فرهنگی را دارا می‌باشد.

شاخصه‌های اصلی زندگی شهری، وابستگی معناداری با تغییر و تحول درون جامعه دارند. این تغییرات در ابعاد مختلف اعم از زمان، شرایط اقتصادی و اجتماعی و عملکردی و .. خود را آشکار می‌سازد.

نماهای شهری به عنوان مرز و به تعبیری محل اتصال و ارتباط بین فضای بسته و فضای باز عمومی از جمله عوامل کالبدی هستند که حتی در میزان امنیت محیط موثرند.

اجزاء مختلف بدنه ساختمان چون اندازه بازشوها، تعداد طبقات، جنس مصالح به کار رفته، رنگ، سایر اندازه ها و... در شکل گیری گونه های مختلف نماهای شهری و بیان رویکرد ساخت سازنده تعیین کننده هستند.

مولفه های کیفی ساختمان در بدو برخورد با نما که ورود از عرصه عمومی (خیابان) به عرصه خصوصی (خانه) است با کوتاهی یا بلندی دیوار، مشبک بودن یا صاف بودن، علاوه بر اعلام وضعیت امنیت اجتماعی و توجه به حریم ها در یک فرهنگ می تواند به پیشگیری از وقوع جرم و ایجاد محیطی امن کمک کند. به طور مثال در شهرهایی که دیوارها پرچین مانند و پنجره ها بلند هستند این تصور به وجود می آید که ضرورت قفل و بست کردن و نگهداری سفت و سخت لزومی ندارد و افراد آن اجتماع بدون موانع فیزیکی به حریم زندگی خصوصی هموعان خود احترام می گذارند.

به طور کلی معماری هنری است که در پرتو مختصات مکانی و زمانی ظهور پیدا می کند، از یک سو ویژگیهای مکانی به طور مستقیم موثراند و از سوی دیگر توجه به مسائل روزمره و گذرا نیز مورد توجه بوده است. توجه بیش از حد به عوامل زمان مند و گذار در معماری چون بازار فروش انواع مصالح و اجزاء مورد نظر و به عبارتی تنوع مصالح نامتناس و تنها «مد روز» مبین این موضوع است که بدنه شهری در هر دوره دستخوش سلیقه و اعمال نفوذ مدگرایانه سازندگان است که ناشی از شناختی نازل از زیبایی و انتخاب بی بن و اصل مشتریان ساخت و ساز است. در واقع استفاده از انواع مصالح و چیدمان بی ضابطه و بدون توجه به فرهنگ و هویت بومی تنها آینه ای است که خواسته های کارفرما و طراح را در جهت چشمگیر بودن بنا و نمایش ایده های جدید و نیاز به نو و متمایز بودن را باز می تاباند، و در نهایت سیمای شهر را به نمایشگاهی از سبک ها و گرایش های مختلف اعم از کلاسیک اروپا، ایرانی مختلط و بعضاً بی ارتباط با هر گونه سبک و سیاقی مبدل می سازد.

در تاریخ معماری جهان، نمای شهری از ارزش بسزایی برخوردار بوده است. معماری ایران نیز از این قاعده مستثنی نمی باشد، با وجود مصالح محدود در نما که اغلب کاشی، چوب یا آجر بوده اند با ارائه الگوهای متنوع به تنوع ذاتی خود تاکید داشته اند. سازندگان و هنرمندان سنتی ما با همه محدودیت ها در ساخت و ساز و عدم تنوع مصالح آنچنان طرح های بدیع و پرمغزی در داخل و خارج از بنا خلق می کردند که گویی هیچ دو عمارت را یک معمار نساخته، اما در عین حال وحدت معماری ایرانی در جان تمامی آثار سنتی این مرز و بوم موج می زند. در معماری سنتی ما رویکرد و توجه

به نقوش اسلیمی و هندسی، گره چینی و مقرنس، که گویای لطافت روح و نشان از عمق معرفت اصول فرهنگی و زیبایی شناسی است به تنوع بصری و عملکرد بطور همزمان دست یافته است.

اگر از افق بالاتری به موضوع بنگریم در می‌یابیم نابسامانی و اغتشاش حاکم بر نماهای ساختمان و سیمای شهر بر تافته از مجموعه‌ای پیچیده از موضوعاتی است که در حوزه اجتماعی و اقتصادی قابل جستجو است. هویت گمشده‌ترین کیفیت فرهنگی - اجتماعی چشم‌انداز یک شهر است و نماهای شهری به عنوان بستر کالبدی تعیین کننده در این راستا هستند. از منظر روانشناختی استفاده از فرم‌های شکسته و بی نظم و درهم پیام ذهن سازنده است که حاکی از بی‌ثباتی، مشغله و ... می‌باشد و بالعکس نماهای و فرم‌های مفهوم‌دار و پیوسته در جداره شهری گویای وحدت رویه در نوع نگرش و نیازمندی های افراد اجتماع است و به انتشار خود نیز در سطح وسیع تر می پردازد.

ویژگی‌های فرم، رنگ، مصالح، نور، گشودگی ها، ابعاد، شکل ورودی ها، پنجره ها و ... به لحاظ کیفی و کمی اطلاعات خاص غیر معماری را در یک شهر بیان می‌کنند.

نماهای شهری از مهمترین عناصر شکل‌گیری سیمای شهر به شمار می‌آیند. یک دانه ساختمانی در عرصه شهر، نه با فردیت و استقلال بلکه در ترکیب با سایر ابنیه، در فضایی که خیابان را تشکیل می دهد به شهر می پیوندند.

بیان تجربیات جهانی کشورهای اسلامی چون مراکش که به لحاظ شباهت دانه معماری و باورهای مذهبی و عرفی بی شباهت به کشورمان نیست شایان ذکر است. در شهر رباط پایتخت کشور مراکش با تشکیل هیئتی از متخصصین معماری، طراحی شهری، جامعه شناسی، و پژوهندگان هنر برای تعدادی از خیابانهای اصلی که در معرض تردد و توجه خاص شهروندان و مسافران بوده، ضابطه طرح و ساخت نما تدوین شده است. این ضوابط برگرفته از معماری سنتی و اصیل کشور با رویکرد امروزی می‌باشد، به طوری که جداره‌ی این خیابانها در یک نگاه کلی از لحاظ سبک و شیوه طراحی، استفاده از مصالح و موتیفهای هنری منتج از یک سبک معماری وحدت‌گرا و شایسته‌ی فرهنگ اصیل آن مرز و بوم باشد. لذا طراحانی که در این محورها اقدام به طراحی و ساخت می‌کنند، با رعایت مصوبات شورا و شرکت در جلسات توجیهی در صدداند گام‌های بنیادینی در این راستا بردارند.

بی‌شک ترویج این نوع از ساخت در تغییر سلیقه‌ی کلیه شهروندان و طراحان تاثیر خواهد گذاشت و رفته رفته تجربیات موفق می‌تواند الگوی مناسبی برای ساختن در دیگر نقاط شهر باشد. بررسی هیئت های متخصص سیمای و نمای شهری که فرآیند طراحی و اجرای نماها را جهت داده می‌تواند راهکار مناسبی در جهت بهبود چشمگیر کیفیت فضای شهری

هویت‌گرا باشد. در ابتدای این امر شناخت اصول معماری بومی، مصالح متناسب با اقلیم، تحقیق در الگوها و موتیف‌های هنری اصیل و بررسی نمونه‌های موفق اجرایی از ضروریاتی است که در مراحل بعد به تدوین اصول بهینه ساخت منجر می‌شود.

بدین ترتیب نماهای شهری به عنوان بدنه فضای شهری یکی از اجزای اصلی کالبدی سازنده فضاهای شهر محسوب می‌شود. بر این اساس توجه به ارتقاء کیفیت نماها می‌تواند قدم موثر در جهت ارتقاء و کیفیت فضای اجتماعی در بردارد و این مهم تنها در بدو امر می‌تواند از قوانین و ضوابط بهره‌مند گردد و در مراحل بعدی سلیقه‌ها و تمایلات در چارچوب ضوابط چند کیفیتی که مشتمل بر ساخت با هویت، توجه به اقلیم، آرایش و پیرایش زیباشناسانه به محوریت طرح ایرانی اسلامی است.